

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم
از دکتر صادقی تهرانی
علی اکبر طاهری
(۳)

در شماره‌های قبل، ترجمه سوره‌های فاتحه تا نساء بررسی گردید، اکنون در این بخش ترجمه سوره‌های مائده تا انفال مورد بررسی قرار می‌گیرد و همچون شماره قبل نخست به برخی نکات مثبت ترجمه مورد بحث که مترجم گرامی نسبت به آنها توجه کافی مبذول داشته‌اند اشاره می‌کنیم.

الف - مائده، ۹:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... «خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته (ی ایمان) کردند...»

بررسی: مترجم گرامی در تمامی مواردی که واژه «الله» در قرآن آمده است، بدون استثنا در برابر آن، واژه «خدا» را قرار داده‌اند، ولی اکثر مترجمان به ویژه در ترجمه عبارت بسم الله الرحمن الرحيم، واژه «خداوند» را به کار برده‌اند. کلمه «وند» پسوندی است که دال بر معنی شباهت است؛ مثلاً «فولادوند» به معنی کسی است که همچون فولاد محکم و با استقامت است، و «خداوند» کلمه‌ای است که در مورد انسانها به کار می‌رود و به معنی صاحب و مالک است. سعدی علیه الرحمه هم در یکی از داستانهای منظومش گفته است:

یکی بر سر شاخ و بن می‌برید خداوند بستان نظر کرد و دید

احتمالاً در یک جا قابل قبول است که این واژه در مورد خدا به کار برده شود، آن هم وقتی

است که می‌گوییم: «خداوند عالم».

ب - انعام، ۹۵:

و مُخْرِجِ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ

«مرده را از زنده بیرون آورنده است، این است خدا (یتان)».

بررسی: اکثر مترجمان، عبارت «ذَلِكُمْ اللَّهُ» را در این آیه «این است خدای شما» و یا «این است خدایتان» ترجمه کرده‌اند، ولی کلمه «کم» در اینجا ضمیر نیست و تنها مخاطبان را مشخص می‌کند که عموم مردم‌اند، و بنا به قاعده تغلیب در شکل مذکر آمده و لزوماً در ترجمه نمی‌آید؛ همان‌گونه که در آیه ۳۲ یوسف (۱۲): قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ «این است کسی که مرا در مورد او سرزنش می‌کردید»، کلمه «کن» مخاطبان را که چند تن از زنان بودند، مشخص می‌کند و در ترجمه نمی‌آید. مترجم گرامی در آیه مورد بحث (انعام، ۹۵)، کلمه «یتان» را به درستی داخل پرانتز قرار داده‌اند، ولی اگر این کلمه داخل پرانتز را که هیچ نیازی به آن نیست، اساساً نمی‌آورند، بهتر بود؛ به این صورت: «این است خدا».

ج - انعام، ۱۲۳:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا

«و بدین گونه در هر مجتمعی

بزرگانشان را (از) مجرمان نهادیم».

بررسی: در این آیه و آیات دیگری که شامل کلمه «قریه» است، مترجم گرامی در برابر واژه «قریه»، کلمه «مجتمع» را قرار داده‌اند که انتخاب بسیار خوبی است و بهترین ترجمه برای قریه است. سایر مترجمان، بعضی خود کلمه قریه را در ترجمه به کار برده و بعضی دیگر به درستی از کلمه «شهر» استفاده کرده‌اند. با توجه به

اینکه در آیات ۷۷ و ۸۲ کهف (۱۸) دو کلمه «قریه» و «مدینه» در یک موضوع به کار رفته‌اند، معلوم می‌شود منظور از قریه در قرآن، غالباً «شهر» است و موضوعات مطرح شده در آیاتی که شامل کلمه قریه است، مؤید این نظر است. ولی واژه «مجتمع» چون عام است، نسبت به هر دو انتخاب قریه و شهر برتری دارد. آیت الله مشکینی هم در ترجمه خود همین واژه را به کار برده‌اند. الفضل للمتقدم.

و اینک ادامه موارد ترک اولی

۵۸. مائده، ۲۱:

فَتَنَقَّلُوا خَاسِرِينَ

«که (این خود) بازگشتی زیان بار است».

بررسی: این ترجمه انطباق دقیق با متن ندارد.

ترجمه درست: «که زیانکار خواهید شد». (فولادوند)

۵۹. مائده، ۴۵:

وَ أَلْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ

«چشم در برابر چشم و گوش در برابر گوش»

بررسی: عبارت «والانف بالانف» در ترجمه نیامده است.

۶۰. مائده، ۷۳:

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ

«کسانی که «به تثلیث قائل شده و) گفتند: خدا سومین (شخص از) سه (شخص یا سه اقنوم) است، بی شک و بی چون کافر شدند».

بررسی: عبارت «ثالث ثلاثه»، اصطلاحی است معادل یکی از سه تا (و یا فقط سه تا، و نظایر این عبارت نیز به همین شکل). خود مسیحیان هم این عقیده را ندارند که خدا سومین شخص یا سه اقنوم است، و ترتیب آن از نظر مسیحیان به این صورت است: اب، ابن و روح القدس؛ یعنی خدا، عیسی و روح القدس. بنا بر این خدا از نظر مسیحیان اولین اقنوم

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۱ □

است. ترجمه درست با تعبیر خود استاد دکتر صادقی تهرانی چنین است: «خدا یکی از سه [شخص یا سه اقنوم] است.

ترجمه‌های درست:

«البته کسانی که گفتند خداوند یکی از سه [اقنوم] است، کافر شدند». (انصاری)
«آنها که گفتند خداوند یکی از سه خداست (نیز) به یقین کافر شدند». (مکارم شیرازی)
«بی‌تردید کسانی [هم] که گفتند: خدا یکی از [عناصر] سه گانه [الوهیت] است، کفر ورزیدند». (طاهری)

دقیقاً همین اشکال در ترجمه آیه ۴۰ توبه (۹) وجود دارد: **إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ** «چون او را کسانی که کفر ورزیدند، (از مکه) برون راندند، وی نفر دوم از دو تن بود آن گاه که این دو در غار بودند». نکته جالبی که به ویژه در این آیه باید به آن توجه کرد، این است که اگر قرار باشد یکی از این دو تن که در غار بودند، نفر دوم فرض شود، ابوبکر باید دومی باشد، نه پیامبر (ص) که خود، قهرمان اصلی ماجرا بوده است. باید اضافه شود که در اینجا معنای دیگر «ثانی اثنین»، «فقط دو تن بودند»، مناسب‌تر است؛ زیرا انبوه دشمنان که پیامبر را تعقیب می‌کردند، به راحتی می‌توانستند دو نفر را در چند لحظه از پای درآورند، و یاری خدا در چنین شرایطی بسیار اهمیت دارد.
نمونه‌های ترجمه درست:

«خداوند او را هنگامی که کافران آواره‌اش ساختند، یاری داد در حالی که یکی از آن دو تن بود». (خرمشاهی)
«خدا او را یاری نمود هنگامی که کافران او را از مکه بیرون کردند، در حالی که یکی از دو تن بود (پیامبر و ابوبکر)». (مشکینی)
«بدان هنگام که انکارورزان [از مکه] اخراجش کردند، در حالی که فقط دو نفر بودند، خدا یاری‌اش کرد». (طاهری)

۶۱. مائده، ۹۴:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبْلُوَكُمْ اللَّهُ بَشَىءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ

«هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا همواره شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه‌هاتان باشد، بی‌چون می‌آزماید، تا نشانه‌گذار کسی را که در نهان از او می‌هراسد». بررسی: مصدر «عَلِمَ» که به معنای نشان‌گذاری است، در بابهای نصر ینصر و ضرب یضرب صرف می‌شود (عَلِمَ يَعْلَمُ) و (عَلِمَ يَعْلَمُ)، بنابراین با فعل «عَلِمَ يَعْلَمُ» قابل اشتباه شدن نیست؛ ناگزیر باید کلمه «لِيعْلَمَ» را «تا بداند» ترجمه کنیم. مترجمان قرآن عموماً برای پرهیز از مشکلی که در مورد علم خدا پیش می‌آید، آن را به «تا معلوم گرداند» و یا «تا متمایز کند» ترجمه کرده‌اند، که درستی آن محرز نیست. بعضی از مترجمان هم خود را به تکلف نینداخته‌اند و «تا بداند» ترجمه کرده‌اند (والله اعلم). در هر حال، در ترجمه این آیه و نظایر آن، استفاده از معنای فعل «عَلِمَ يَعْلَمُ عَلِماً» قابل توجیه نیست. این اشکال در ترجمه آیات ۱۴۳ بقره (۲)، ۱۴۰، ۱۶۶ و ۱۶۷ آل عمران (۳)، ۱۲ کهف (۱۸)، ۲۱ سبأ (۳۴)، ۲۵ حدید (۵۷) و ۲۸ جن (۷۲) نیز وجود دارد.

۶۲. مائده، ۹۷:

وَالشَّهْرُ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ

«و ماه حرام و قربانی‌های نشان‌دار»

بررسی: کلمه «قلائد» در ترجمه از قلم افتاده است.

۶۳. انعام ۱۲:

لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

بی‌گمان شما را فرا سوی روز قیامت به راستی بدون برگشت گرد خواهد آورد».

بررسی: عبارت «بدون برگشت» در متن وجود ندارد و نیازی به آوردن آن حتی در داخل قلاب نیست. استاد همین عبارت قرآنی را که در آیه ۸۷ نساء (۴) تکرار شده است، به درستی به این صورت ترجمه کرده‌اند: در روز رستاخیر همانا شما را گرد خواهد آورد».

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۳ □

۶۴. انعام، ۱۴:

قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أُنحَدُوا وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

«بگو آیا جز خدا را - (که) پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین بر مبنای فطرت توحیدی است - به سرپرستی برگزینم».

بررسی: عبارت «بر مبنای فطرت توحیدی» افزوده تفسیری است و در متن آیه نیست؛ اگر لازم است، باید داخل قلاب قرار داده شود. استاد همین عبارت فاطر السماوات والارض را در آیات ۱۰ ابراهیم (۱۴) و ۴۶ زمر (۳۹) بدون این افزوده ترجمه کرده و در آیه ۱۱ شوری (۴۲) این افزوده را داخل پرانتز قرار داده‌اند، که بهتر است همه یکسان شود.

۶۵. انعام، ۷۱:

و نُزِدْنَا عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهَ

«و پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده‌ی خود به گذشته‌ها (ی تاریک) مان بازگردیم؟»

بررسی: فعل «نُزِدْنَا» مجهول است و به صورت «بازگردانده شویم» باید ترجمه شود. بعضی از مترجمان دیگر هم ظاهراً به علت اینکه مجهول آمدن فعل در این عبارت، روانی کلام را در ترجمه خدشه‌دار می‌کند، آن را معلوم ترجمه کرده‌اند، ولی بخش بعدی آیه که می‌فرماید: كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا، علت مجهول آمدن فعل را توجیه می‌کند، و منظور این است که با پیروی هوای نفس، خود را در اختیار شیاطین قرار دهیم، تا ما را از راه بازگردانند.

ترجمه درست:

«و پس از آنکه خداوند ما را هدایت نمود، بر پاشنه‌های خود بازگردانده شویم».
(مجتبوی)

۶۶. انعام، ۹۹:

فَأَخْرَجْنَا مِنْهَا كُلَّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ

«پس با آن هر گونه رویدنی را (از زمین) برون آوریم؛ پس (از آن گیاه) جوانه سبزی خارج ساختیم (که) از آن، دانه‌های متراکم روی هم چیده شده، برمی آوریم و از شکوفه‌های درخت خرما خوشه‌هایی نزدیک به هم و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار».

بررسی: در این آیه «الزیتون و الرمان» منصوب‌اند و بر «جَنَات» عطف شده‌اند و خود «جَنَات» عطف بر «نبات» است که عطف عام بر خاص است، ولی در این ترجمه «الزیتون و الرمان»، خود به خود عطف بر «اعناب» شده است که در ترجمه باید با افزودن کلماتی از این عطف پرهیز شود.

ترجمه‌های درست:

«بیرون آوردیم بوستانها از درختان انگور و بیرون آوردیم زیتون و انار». (دهلوی)
 «و نیز باغهایی از درختان انگور و (همچنین درختان) زیتون و انار». (مشکینی)
 «و نیز [درختان] زیتون و انار و باغهایی از انگور». (طاهری)

۶۷. انعام، ۱۰۸:

وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

«آنهایی را که جز خدا را می‌خوانند دشنام ندهید تا (مبادا) آنان (هم) از روی دشمنی به نادانی خدا را دشنام دهند».

بررسی: در این آیه موصول «الذین» معرف مبعودهای باطل است نه پرستش کنندگان، به دلیل اینکه در بخش بعدی آیه می‌فرماید: تا مباد آنان هم معبود شما (خدا) را دشنام دهند (نه خود شما را).

ترجمه درست: «کسانی را که به جای خدا می‌پرستند دشنام مدهید [زیرا که آنان نیز] از روی ستم ناآگاهانه خداوند را دشنام می‌دهند». (انصاری)

۶۸. انعام ۱۴۳:

مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ

«از گوسفند دوتا و از بز دو تا»

بررسی: گوسفندان به دو دسته تقسیم می‌شوند: میشینه و بزینه. دسته «میشینه» دو نوع نر

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۵ □

و ماده دارد به نام قوچ و میش، و دسته «بزینه» نیز دو نوع نر و ماده دارد به نام تکه و بز. به مجموعه این چهار نوع، گوسفند گفته می‌شود. بنابراین ترجمه «ضأن» به «گوسفند» و «معز» به «بز» درست نیست. در ترجمه این جانب نیز همین اشکال وجود دارد، و آن را برای چاپ بعدی به این شکل اصلاح کرده‌ام: «از [جنس] میشینه، زوج [نر و ماده، یا قوچ و میش] و از [جنس] بزینه زوج [نر و ماده، یا تکه و بز]». بعضی از مترجمان در ترجمه این بخش از آیه گفته‌اند: «از میش دو تا (نر و ماده) و از بز دو تا (نر و ماده)». باید توجه داشت که میش و بز هر دو ماده‌اند و هر دو زیر مجموعه گوسفند قرار دارند. مشکل اینجاست که هیچ یک از مترجمان قرآن، نه چوبدار بوده و نه با چوبداران حشر و نشری داشته‌اند.

۶۹. انعام، ۱۶۵:

إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ

«پروردگارت پیگیر سریع (در کیفر) است.»

بررسی: لزومی ندارد کلمه «کیفر» داخل پرانتز قرار گیرد، چون این واژه ترجمه روشن «عقاب» است. ترجمه درست با تعبیر خود استاد این است: «پروردگارت [پی‌گیر و] سریع کیفر است». استاد همین عبارت «سریع العقاب» را در موارد دیگر به سادگی «زودکیفر» و یا «سریع کیفر» ترجمه کرده‌اند که ترجمه بهتری است.

۷۰. اعراف، ۳:

قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

«بسی اندک است آنچه را متذکر می‌شوید.»

بررسی: حرف «ما» در این آیه برای تأکید معنای قلت است.

ترجمه درست: «اندکی یاد می‌کنید و پند می‌پذیرید». (مجتبوی)

این اشکال بر ترجمه آیات ۶۲ نمل (۲۷) و ۴۲ حاقه (۶۹) نیز وارد است.

۷۱. اعراف، ۲۲:

وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ

«به چسبانیدن برگ آن باغ بر خود نزدیک شدند».

بررسی: فعل «طفق» به معنی شروع کردن یا مشغول شدن است، مانند «اخذ». راغب گفته است: يقال طفق كذا كقولك اخذ يفعل كذا ويستعمل في الايجاب دون النفي». استاد همین واژه را در آیات ۳۳ ص (۳۸) و ۱۲۱ طه (۲۰) درست ترجمه کرده‌اند.

۷۲. اعراف، ۴۶:

وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ

«بهشتیان را - که هنوز وارد آن نشده‌اند، در حالی که (بدان) امیدوارند - آواز می‌دهند که سلام بر شما، داخل آن نشده‌اند، حال آنکه طمع (داخل شدن) دارند».

بررسی: بخشی از این آیه دوبار ترجمه شده است.

۷۳. اعراف، ۵۲:

وَ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

«به راستی و درستی ما با کتابی آمدیمشان (که) از روی علم جداسازیش کردیم، حال آنکه برای گروهی که ایمان می‌آورند، هدایت و رحمتی است».

بررسی: در ترجمه این آیه حرف «باء» از نوع تعدیه در نظر گرفته نشده و فعل «جئنا» به صورت لازم ترجمه شده است.

ترجمه درست: «کتابی به سوی آنها بیاوردیم که آن را از روی علم شرح داده‌ایم و برای گروهی که باور می‌دارند، مایه هدایت و رحمت است».

در موارد فراوانی (حدود ۱۸۰ بار) بای تعدیه در آیات مختلف قرآن آمده است و مترجم گرامی عموماً فعل مربوطه را به درستی، متعدی ترجمه کرده‌اند، ولی در موارد کمی نسبت به آنها بی‌توجهی شده است، که علاوه بر آیه مورد بحث، سایر موارد به شرح زیر است: ۹۱ و ۱۶۰ انعام (۶)، ۸۸ یوسف (۱۲)، ۴۲ طه (۲۰)، ۱۵ شعراء (۲۶)، ۳۳ زمر (۳۹)، ۵۰ غافر (۴۰)، ۶۴ حجر (۱۵)، ۸۹ و ۹۰ نمل (۲۷)، ۳۴ غافر (۴۰)، ۶۳ زخرف (۴۳) و ۹ حاقه (۶۹).

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۷ □

۷۴. اعراف، ۱۲۴:

ثُمَّ لَأَصْلِبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

«سپس بی چون همه شما را همواره به دار خواهیم آویخت».

بررسی: واژه «همواره» که در موارد فراوانی در این ترجمه در کنار فعلهای ماضی و مضارع و بعضاً در کنار اسمهای فاعل و مفعول آمده است، حداقل در اینجا دلیلی ندارد؛ زیرا هر کسی را فقط یک بار می‌توان به دار آویخت. استاد در آیات ۷۱ طه (۲۰) و ۴۹ شعراء (۲۶) که همین مضمون تکرار شده، واژه «همواره» را به کار نبرده‌اند.

۷۵. اعراف، ۱۲۷:

قَالَ سَنَقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ

«به زودی پسرانشان را پیایی همی کشیم و زنانشان را زنده و بی حیا نگه می‌داریم».

بررسی: یکی از معانی «استحیاء» حیا داشتن و شرم کردن است، ولی اگر بخواهیم این معنی را نیز در ترجمه لحاظ کنیم، باید بگوییم: «از زنانشان شرم و حیا می‌کرد» (استحیاء و منه: خجل منه - لاروس و المنجد) چنان که در آیه ۲۶ بقره (۲) می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا** «خدا شرم نمی‌کند از اینکه به پشه یا بزرگ‌تر از آن مثالی زند»، و نیز در آیه ۵۳ احزاب (۳۳) می‌فرماید: **فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ** «پیامبر از شما شرم می‌کند ولی خدا از بیان حق شرم ندارد». با توجه به این توضیح، نفی حیا از آن زنان با کدام قاعده از عبارت «نستحیی نساءهم» برداشت می‌شود؟! معنای دیگر این کلمه زنده رها کردن است که به قرینه، در برابر کشتن پسرانشان آمده است (استحیاء: ترکه حیاً - المنجد) با توجه به معنی اصلی لغت، ترجمه صحیح آیه این است: «پسرانشان را می‌کشیم و زنانشان را زنده رها می‌کنیم». حال اگر فرض کنیم در مورد بعضی از آن زنان عمل منافی عفت هم بر آنان تحمیل شده باشد (که هیچ دلیلی بر این فرض وجود ندارد) باز هم نمی‌توان آنان را بی حیا شده تلقی کرد. اساساً در مورد گذشتگان که امکان دفاع از خود ندارند، بیان چنین مطالبی دور از احتیاط است؛ مثلاً در مورد خواهر و مادر موسی علیه السلام، پیامبر عظیم الشان خدا، چگونه چنین مطلبی قابل تصور است؟! **عظیم الشان خدا، چگونه چنین مطلبی قابل تصور است؟!**

این إشکال در آیات ۴۹ بقره (۲)، ۱۴۱ اعراف (۷)؛ ۶ ابراهیم (۱۴)، ۴ قصص (۲۸) و ۲۵

□ ۳۸ ترجمان وحی

غافر (۴۰) نیز وجود دارد.

۷۶. اعراف، ۱۵۶:

وَ أَكْتُبُ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ

«برایمان در این (زندگی) دنیا نیکی ثبت و ضبط فرما و در آخرت نیز؛ ما همواره به سوی تو رهنمون شدیم».

بررسی: فعل «هدنا» در آیه، صیغه متکلم مع الغیر از «هاد، یهود» به معنای بازگشتن است، ولی مترجم گرامی آن را از «هدی، یهدی» به معنای هدایت کردن گرفته‌اند. ترجمه‌های درست:

«در همین دنیا برای ما نیکی مقرر کن و [نیز] در آخرت. ما به سوی تو بازگشته‌ایم».
(انصاری)

«در این جهان و در آخرت برای ما نیکی بنویس که ما به سوی تو بازگشته‌ایم».
(خرمشاهی)

«برای ما در این [حیات] دنیا و نیز در آخرت نیکی مقرر فرما که به سوی تو بازگشته‌ایم».
(طاهری)

۷۷. اعراف، ۱۶۷:

لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ

«تا روز قیامت بر آنان [یهودیان] کسانی را بی‌گمان خواهد گماشت که ایشان را به عذابی بد گرفتار کنند».

بررسی: فعل «یسوم» مفرد است و موصول «من» که موصول عام است در اینجا مفرد ترجمه می‌شود. بنابراین ترجمه درست این بخش از آیه این است: «تا روز قیامت بر یهودیان کسی را می‌گمارد که آنها را عذابی سخت کند» (پاینده)

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۹ □

۷۸. اعراف، ۱۷۶:

فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

«پس این داستان‌ها را (برایشان) برخوان، شاید آنان بیندیشند».

بررسی: واژه «قصص» به فتح «قاف» مفرد است به معنای قصه و داستان، ولی در ترجمه جمع منظور شده. جمع قصه «قَصَص» است به کسر قاف. همین اشتباه در آیه ۳ یوسف (۱۲) هم تکرار شده است؛ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ «ما نیکوترین برش‌های پی‌گیر تاریخی را به موجب این قرآن - که به تو وحی کردیم - بر تو حکایت می‌کنیم». قطع نظر از جمع آمدن در ترجمه، استاد در آیه ۱۷۶ اعراف، قصص را «داستان» و در این آیه «برش پی‌گیر تاریخی» معنی کرده‌اند. به نظر من از بین این دو معادل، همان واژه «داستان» برتری دارد. مترجم گرامی واژه «قَصَص» را در آیه ۶۲ آل عمران (۳) به درستی مفرد ترجمه کرده‌اند، ولی در آیه ۲۵ قصص (۲۸) همان اشکال وجود دارد.

۷۹. اعراف، ۱۸۹:

فَلَمَّا تَغَشَّيْهَا حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبِّهَا

«پس چون (نسل وی) زنانی را باردار کردند، خدا، پروردگار خود را خواندند».

بررسی: بخشی از آیه در ترجمه نیامده است.

۸۰. انفال، ۴:

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

«برایشان نزد پروردگارشان درجات و پوشش و روزی گرامی و پر کرامت است».

بررسی: بخش ابتدایی آیه در ترجمه نیامده است.

۸۱. انفال، ۵:

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ

«همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد و (حال آنکه) دسته‌ای از

مؤمنان ناخوش آیندشان است».

بررسی: این ترجمه از لحاظ قواعد و علم لغت هیچ گونه ایرادی ندارد؛ ولی ارتباط عبارت «همان گونه» که در آغاز ترجمه آیه آمده است (در برابر واژه «کما»)، با موضوع مورد نظر در آیه روشن نیست و برای خواننده سؤال برانگیز است، و ترجمه به این علت دچار نقص شده است. در آیه اول این سوره سخن از نفی مالکیت خصوصی بر ثروتهای عمومی است و در آیات ۲-۴ سخن از توصیف مؤمنان و پاداش آنان به میان آمده است. در ترجمه این آیه که به طور مستقل معنی و مفهوم آن روشن نیست، باید با افزودن کلماتی، این آیه با مطالب آیات قبل ارتباط پیدا کند که معنی و مفهوم سر راست و روشنی از آن به دست آید. نزول آیه نفی مالکیت خصوصی بر ثروتهای عمومی مسلماً خوشایند اشخاصی که قبلاً از آن بهره می برده اند، نبوده و از نزول آن ناراضی بودند. در این آیه می فرماید: هنگامی هم که پیامبر (ص) برای ترتیب دادن برنامه های رزمی و تنظیم صفوف رزمندگان برای درگیری بدر از خانه خارج شد و عده ای از مؤمنان همراهش بودند، افرادی که توکل لازم را نداشتند، از برنامه جنگ که در پیش داشتند، ناراحت و ناراضی بودند، به حدی که در آیه بعد این گونه توصیف شده اند که گویی به سمت مرگ می رفتند و مرگ را به چشم می دیدند؛ ولی به زودی طعم شیرین پیروزی را در همان جنگ چشیدند و نتایج خوب آن را مشاهده کردند. در آیه مورد بحث می فرماید: همان گونه که هنگام عزیمت به جنگ بدر، گروهی دچار ناراحتی بودند، ولی بعداً پیروز و خوشحال از جنگ بازگشتند و نظرشان تغییر کرد، از دستور نفی مالکیت خصوصی بر انفال هم که نتایج خوبی برای اجتماع مسلمین خواهد داشت، در حال حاضر ناراضی هستند ولی به زودی نتایج خوب آن را خواهند دید و تغییر عقیده خواهند داد. در آیه دوم همین سوره هم که می فرماید مؤمنان واقعی کسانی هستند که وقتی آیات خدا بر آنها خوانده می شود بر ایمانشان افزوده می گردد و بر پروردگارشان توکل می کنند، اشاره به طرز برخورد همین گروه با آیه انفال دارد. این وجه ارتباط بین آیه ۱ و آیه ۵ این سوره باید با افزودن کلماتی حتی الامکان کوتاه در داخل قلاب، روشن شود. لذا ترجمه این جانب از آیه مورد بحث چنین است: «[نفی مالکیت خصوصی بر انفال مورد ناخشنودی آنهاست] همانگونه که [وقتی] پروردگارت به حق تو را از خانه [برای جنگ بدر] بیرون فرستاد، [و سرانجامش پیروزی بود]، گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند». در ترجمه این جانب، این آیه یکی از چند آیه معدود و انگشت شماری است که افزوده تفسیری آن ناگزیر از حد متعارف

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۴۱ □

فرا تر رفته است.

۸۲. انفال، ۶:

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

«با تو درباره حق - بعد از آنکه روشن گردید - مجادله می‌کنند؛ گویی بی‌چون به سوی مرگ رانده می‌شوند، در حالیکه آنان (با چشمان باز) می‌نگرند».

بررسی: این آیه هم در ارتباط کامل با آیه قبلی (و نیز آیه بعدی) است، و اگر در ترجمه به این وجه ارتباط اشاره نشود، معنی و مفهوم آن روشن نخواهد بود. منظور از «يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ» همین است که در مورد آن تجهیز جنگی که به پیروزی انجامید، با آنکه ضرورت آن از قبل روشن بود، با تو مجادله می‌کردند.

ترجمه‌های روشن‌تر:

«با تو درباره آن کار حق (اقدام به جنگ بدر) گفتگو و مجادله می‌کردند (که این جهاد، جنگ نابرابر است) پس از آنکه (مصلحت آن و نصرت خدا در آن) روشن شده بود (و طوری وحشت زده بودند که) گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند در حالیکه خود می‌نگرند».

(مشکینی)

«با تو در مورد [آن سفر] حق مجادله می‌کردند، با آنکه [ضرورت آن] روشن بود؛ [چنان به وحشت افتاده بودند که] انگار به سوی مرگ رانده می‌شوند و [مرگ را] می‌بینند». (طاهری)

۸۳. انفال، ۱۶:

فَقَدْ بَاءَ بَعْضُ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوِيهِ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

«همواره به خشم خدا برگشته (و گرفتار شده) و چه بد سرانجامی است».

بررسی: عبارت «و مأویه جهنم» در ترجمه نیامده است.

۸۴. انفال، ۲۴:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

«هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبر (ش) شما را برای چیزی فرا خواند

که شما را حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید».

بررسی: در ترجمه میان فعل «فرا خواند» که مفرد است با فاعل آن که «خدا و رسول» است ناهماهنگی وجود دارد. اکثر مترجمان برای گریز از این دشواری، فعل «دعا» را «فراخوانند» ترجمه کرده‌اند که خود مشکل دیگری است. فاعل فعل در عبارت «دعاکم» تنها رسول است. ترجمه‌های درست:

«ای مؤمنان [دعوت] خداوند و رسول [او] را بپذیرید چون شما را فرا خواند برای آنکه [دلتان] را زنده دارد». (انصاری)

«ای مؤمنان، چون [پیامبر از جانب خدا] شما را به پیامی حیات بخش فرا می‌خواند، خدا و پیامبر را اجابت کنید». (طاهری)

۸۵ انفال، ۴۱:

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ

«و بدانید که هر چیزی را که به راستی به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن را برای خدا...»
 بررسی: در زیرنویس مربوط به این آیه، استاد اشاره کرده‌اند به عبارت قرآنی: «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ» که در آیه ۹۴ نساء (۴) آمده و آن را چنین ترجمه کرده‌اند: «برای خدا غنیمت‌هایی زیاد است» ولی ترجمه درست آن را در متن اصلی ترجمه به این صورت نوشته‌اند: «چرا که غنیمت‌های فراوان نزد خداست». ضمناً در آن زیرنویس از همین عبارت قرآنی نتیجه گرفته‌اند که خدا غنیمت را به تمامی درآمدها تعمیم داده؛ البته خمس هرگونه درآمدی را شامل می‌شود که آیه شریفه بنا به تناسب مسائل جهاد، فقط به یکی از موارد آن اشاره کرده است؛ ولی واژه «غنیمت» معنای مشخصی دارد. کتب معروف لغت این واژه را چنین توضیح داده‌اند: الغنم، الفوز بالشیء بلامشقة - تاج العروس، ذیل ماده «در لسان العرب و قاموس نیز توضیحی به همین مضمون آمده است. علت اینکه غنایم جنگ را هم با آنکه مشقت فوق‌العاده‌ای دارد، غنیمت گفته‌اند، این است که جنگ در اسلام - که اساساً تدافعی است - به خاطر دستیابی به غنیمت نیست. اما اگر اتفاقاً منجر به دست یافتن به غنیمتی شود، فرع بر قضیه است و چیزی است که جدا از اهداف اولیه جنگ به دست آمده است؛ مثل چوپانی که با تلاش خود گوسفندان را به چرامی‌برد و ممکن است اتفاقاً یک قطعه‌الماس هم که در

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۴۳ □

آبرفت‌ها به طور طبیعی پیدا می‌شود، ضمن گردش در درّه‌ها و دشت پیدا کند. با همه تلاشی که داشته است، آن مال را بدون زحمت و اتفاقی به دست آورده که نوعی غنیمت است و چنین است غنایم جنگ. اما اینکه هرگونه درآمدی که نتیجه تلاش است، مشمول خمس می‌شود، موضوعی است که از اخبار و روایات استفاده می‌شود. قرآن فقط به یکی از موارد خمس به تناسب مسائل جهاد که مورد بحث بوده اشاره کرده است.

۸۶. انفال، ۴۴:

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قُبُلًا وَيُقَالُ لَكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أُمْرًا كَانَ مَفْعُولًا
«و چون با هم برخورد کردید، آن هنگام آنان را در دیدگانتان اندک جلوه می‌دهد و شما را (نیز) در دیدگان آنان کم نمودار می‌کند تا خدا کاری را که انجام شدنی بود تحقق بخشد».

بررسی: این ترجمه دقیقاً با متن تطبیق دارد، ولی نارساست و برای خواننده سؤال برانگیز است که برای چه خدا طرفین درگیری را در چشم یکدیگر اندک نمایاند و این برنامه چگونه موجب می‌شود تا خدا کاری را که قرار بود انجام شود، به انجام رساند؟! به خصوص اینکه در آیه ۱۳ آل عمران (۳) عکس آن آمده و می‌فرماید مکیان، مؤمنان را دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند (البته این مربوط به اثنای جنگ است). توضیح این است که قبل از درگیری، کفار را در چشم مؤمنان اندک نمایاند تا قویدل شوند، و مؤمنان را در چشم کفار اندک نشان داد تا تجهیز کامل نکنند و حریف خود را کوچک و شکست‌پذیر تلقی کنند، ولی در اثنای جنگ مؤمنان را در چشم کفار بزرگ نشان داد تا روحیه آنان تضعیف و تحریب گردد و نبرد به شکست‌شان بینجامد و کاری که خدا خواسته بود انجام گردد. بدین قرار، ترجمه این جانب از آیه مورد بحث این است: «و آنگاه که [در میدان نبرد] روبرو شدید، آنان را در چشم شما اندک نمایاند [تا قویدل شوید] و شما را نیز در چشم آنان اندک نشان داد [که تجهیز کامل نکنند]، تا خدا امری را که انجام یافتنی بود، سرانجام دهد».

۸۷. انفال، ۶۵:

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا

«اگر از شما بیست تن شکیبیا باشند، بر دویست تن (از آنان) باید چیره شوند؛ و اگر از شما یکصد تن باشند، بر هزار تن از کسانی کافر شدند باید پیروز شوند».

بررسی: کلمه «يَغْلِبُوا» که دو بار در این آیه آمده، در هر دو مورد جزای شرط است نه امر؛ لام امر هم بر سر آن نیامده است. همین اشکال در ترجمه آیه بعدی (۶۶ انفال) نیز وجود دارد. ترجمه درست: «اگر از شما بیست تن صبور باشند، بر دویست تن غالب شوند و اگر از شما صد تن صبور باشند، بر هزار تن از آنها که کفر می‌ورزند غالب شوند» (پاینده)

۸۸ انفال، ۷۲:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ أُوؤُوا وَ نَصَرُوا
أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى
يُهَاجِرُوا

«بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هاشان در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که (آنان را) پناه دادند و کمک (شان) نمودند، ایشان بعضی‌شان اولیای بعضی (دیگر)ند و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند، برای‌تان از ولایتشان چیزی نیست تا هجرت کنند».

بررسی: در این ترجمه دو واژه «اولیاء» و «ولایت» به همان شکل خودش در ترجمه منعکس شده است، و چون این دو واژه دارای معانی مختلفی هستند، منظور از آن برای خواننده متوسط روشن نیست. بهتر است معادل آنها به ترتیب واژه‌های «دوستان» و «دوستی» آورده شود تا معنی و مفهوم ترجمه برای خواننده روشن و صریح باشد.

۸۹ انفال، ۷۲:

وَ إِنْ أَسْتَضَرُّوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ

«و اگر (هم) از شما (علیه دشمنانتان) یاری طلبیدند، یاری‌شان بر (عهده) شماست».

بررسی: عبارت «فِي الدِّينِ» در ترجمه لحاظ نشده است.